

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۲/۰۶

شماره: ۲۲/۱۰۵۶/ص

پیوست: دارد



تشخیص اصالت نامه

اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران

Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines & Agriculture



باسمه تعالی

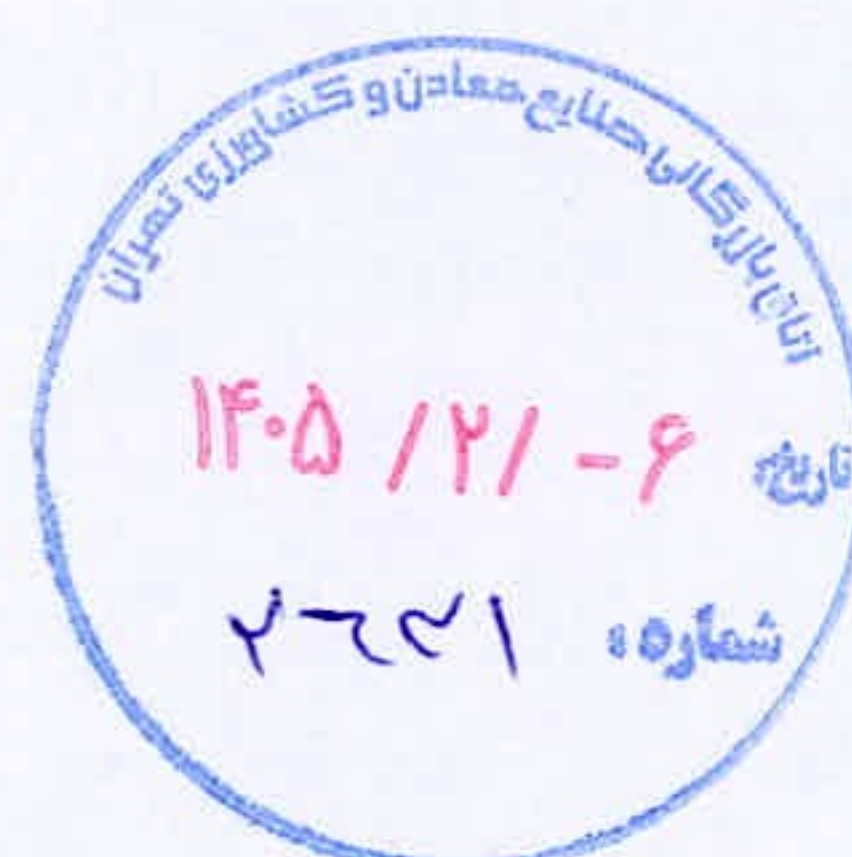
اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی

رؤسای محترم اتاق‌های سراسر کشور

با سلام و احترام؛

دومین روزرسانی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در خصوص وضعیت آتش‌بس میان ایالات متحده و ایران و تحولات سیاسی و دیپلماتیک طی روزهای اخیر تحت عنوان «**تحلیل وضعیت آتش‌بس و مسیرهای پیش رو**» جهت ملاحظه تقدیم حضور می‌گردد. در بروز رسانی دوم این گزارش روند تغییر بازدارندگی بین دو بازیگر و فضای حاکم بر تعاملات در قالب «رقابت قهری و چانه زنی راهبردی در راستای افزایش فشار» مفهوم بندی شده است. گزارش حاکی از ورود به فاز فرسایش تدریجی اقتصادی و نهادینه شدن عناصر خصومت در روابط دو طرف است، اما با این حال تاکید دارد که تعادل رابطه به شکلی پویا و حساس همچنان برقرار است.

عیسی منصوری
رئیس مرکز پژوهش‌ها



آینده پژوه:

شماره ۴

تحلیل وضعیت آتش بس و

مسیرهای پیش رو

بروزرسانی دوم - ۵ اردیبهشت



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

اردیبهشت ماه ۱۴۰۵



تحلیل وضعیت آتش بس و مسیرهای پیش رو

مرکز پژوهش های اتاق ایران (مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی)

تهیه و تدوین: سید حسین طباطبائی نسب

تاریخ انتشار: اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

شناسه یکتا: RC-1405-MEF-D3-PP-1194

واژگان کلیدی: ایران، آمریکا، آتش بس، بازدارندگی، تعامل

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

آدرس مرکز پژوهش هادر شبکه های اجتماعی:

Instagram: @rc_iccima.ir

Telegram: @rc_iccima

Twitter: @rc_iccima

آنچه در بهرورسانی دوم بیش از هر چیز برجسته می‌شود، عبور تعامل ایران و ایالات متحده از یک وضعیت صرفاً «پساجنگی» به یک الگوی پایدارتر اما پیچیده‌تر از رقابت قهری است. اگر در مرحله نخست، مسئله اصلی مهار تصاعد تنش و تثبیت بازدارندگی بود، اکنون این بازدارندگی نه تنها حفظ شده، بلکه به‌طور فعال در خدمت چانه‌زنی راهبردی قرار گرفته است. نکته کلیدی در این تحول، **تغییر کارکرد بازدارندگی** است. بازدارندگی دیگر صرفاً به‌عنوان یک مانع در برابر جنگ عمل نمی‌کند، بلکه به یک ابزار برای **تنظیم رفتار طرف مقابل و افزایش قدرت چانه‌زنی** تبدیل شده است. به بیان دیگر، طرفین نه در حال عبور از بازدارندگی، بلکه در حال استفاده از آن برای پیشبرد اهداف خود هستند. این تغییر، نشانه ورود به مرحله‌ای بالغ‌تر از تعامل است، اما در عین حال، پیچیدگی و ریسک را نیز افزایش می‌دهد.

دومین تحول مهم، **تثبیت قطعی حوزه اقتصادی به‌عنوان مرکز ثقل تقابل** است. در حالی که در مراحل اولیه جنگ، بعد نظامی در کانون توجه قرار داشت، اکنون ابزارهای اقتصادی —از جمله تحریم، محدودسازی جریان انرژی، و کنترل گلوگاه‌های حیاتی مانند تنگه هرمز— به ابزارهای اصلی اعمال فشار تبدیل شده‌اند. در این چارچوب، اقدامات نظامی نقش پشتیبان پیدا کرده‌اند و بیشتر در خدمت **سیگنال‌دهی و تقویت اثرگذاری اقتصادی** هستند تا دستیابی به پیروزی نظامی مستقیم. این جابجایی اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان می‌دهد که منطق تقابل از «شکست نظامی طرف مقابل» به «فرسایش اقتصادی و تغییر محاسبات او» تغییر کرده است. در نتیجه، زمان‌مندی تعامل نیز تغییر می‌کند: به جای تصمیم‌گیری‌های سریع در میدان نبرد، اکنون با یک **فرآیند فرسایشی و تدریجی** مواجه هستیم.

سومین نکته مهم، شکل‌گیری یک الگوی مشخص در توازن اهرم‌هاست. ایالات متحده بر ابزارهای فشار ساختاری و پایدار تکیه دارد، در حالی که ایران از ظرفیت اخلاط‌گر با اثرگذاری بالا اما ناپایدار استفاده می‌کند. در این بستر، مهم‌ترین ویژگی وضعیت کنونی، **هم‌زمانی سیگنال‌های متناقض** است: مذاکره در کنار فشار، آتش‌بس در کنار تهدید، و همکاری شکلی در کنار رقابت واقعی. این تناقض ظاهری را نباید به‌عنوان بی‌ثباتی صرف تفسیر کرد، بلکه باید آن را **نشانه‌ای از چانه‌زنی تحت فشار** دانست. طرفین در حال آزمایش مرزها، ارزیابی واکنش‌ها، و تنظیم موقعیت خود در یک بازی پیچیده هستند.

در نهایت، اگرچه مسیر غالب همچنان رقابت است، اما روندها نشان می‌دهد که **عناصر خصومت در حال نهادینه شدن در این رقابت هستند**. این بدان معناست که فاصله میان رقابت و تقابل آشکار در حال کاهش است و در صورت فعال شدن محرک‌های کلیدی —به‌ویژه شکست مذاکرات یا وقوع یک حادثه بزرگ— امکان گذار سریع به خصومت افزایش خواهد یافت. به‌طور کلی، وضعیت کنونی را می‌توان نه به‌عنوان یک تعادل پایدار، بلکه به‌عنوان **یک تعادل پویا، تنش‌آلود و حساس** توصیف کرد که آینده آن به‌شدت به نحوه مدیریت فشارها و سیگنال‌ها توسط طرفین وابسته است.



خلاصه^۱



تحولات روزهای اخیر نشان می‌دهد که تعامل میان ایران و ایالات متحده وارد مرحله‌ای تثبیت‌شده‌تر از **چانه‌زنی قهری در چارچوب بازدارندگی** شده است. آتش‌بس همچنان برقرار است، اما بدون پیشرفت معنادار در مذاکرات، و هم‌زمان هر دو طرف به‌صورت فعال از ابزارهای فشار—به‌ویژه در حوزه اقتصادی و دریایی—برای بهبود موقعیت خود استفاده می‌کنند. ویژگی متمایز وضعیت کنونی، **هم‌زمانی هدفمند مذاکره و اعمال فشار** است. برخلاف مرحله پیشین که نشانه‌هایی از گذار به ثبات دیده می‌شد، اکنون تعامل به‌طور فزاینده‌ای در قالب یک **رقابت ساختاریافته و قهری** تثبیت می‌شود، در حالی که مؤلفه‌های خصومت نیز در حال تقویت تدریجی هستند.

۱. وضعیت سیستم: بازدارندگی پایدار اما در خدمت چانه‌زنی

شواهد اخیر نشان می‌دهد که بازدارندگی همچنان برقرار است و طرفین از عبور به سمت جنگ گسترده اجتناب کرده‌اند. با این حال، ماهیت بازدارندگی تغییر یافته و از یک سازوکار مهارکننده به یک **ابزار فعال در فرآیند چانه‌زنی** تبدیل شده است. تداوم آتش‌بس در کنار استمرار اقدامات قهری - از جمله حفظ فشارهای اقتصادی و سیگنال‌های دریایی - نشان می‌دهد که بازدارندگی نه‌تنها حفظ شده، بلکه به‌عنوان **بستر مدیریت رقابت** مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بازدارندگی = پایدار، اما ابزاری و سیاسی شده

۲. ادراک تهدید: تثبیت قطعی محور اقتصادی

تحلیل سیگنال‌ها نشان می‌دهد که انتقال مرکز ثقل تهدید به حوزه اقتصادی اکنون به مرحله تثبیت کامل رسیده است. در داده‌های اخیر:

- فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های ساختاری همچنان ادامه دارد
- موضوع تنگه هرمز و جریان انرژی در مرکز توجه باقی مانده
- اقدامات نظامی عمدتاً در سطحی کنترل‌شده و با کارکرد سیگنال‌دهی دنبال

۱. روش‌شناسی تحلیل در قالب پیوست در انتهای گزارش قابل دسترسی است.

می شوند

این وضعیت نشان می دهد که ابزارهای نظامی دیگر هدف نهایی نیستند، بلکه در خدمت تقویت اهرم های اقتصادی قرار گرفته اند.

تهدید اقتصادی = غالب، تثبیت شده و تعیین کننده

۳. توازن اهرم ها: تقابل میان فشار پایدار و اخلال پریسک

در سطح اهرم ها، یک الگوی نسبتاً پایدار در حال شکل گیری است: ایالات متحده با تکیه بر ابزارهای اقتصادی، فشار ساختاری، مستمر و قابل پیش بینی اعمال می کند. ایران با استفاده از ظرفیت های دریایی و ژئوپلیتیکی، به ویژه در تنگه هرمز، امکان ایجاد اخلال سریع و پرهزینه را حفظ کرده است. با این حال، داده های جدید نشان می دهد که استفاده از این اهرم اخلال گر برای ایران با محدودیت هایی همراه است و بیشتر به عنوان ابزار چانه زنی تاکتیکی به کار می رود تا یک راهبرد پایدار.

۴. ارزیابی مسیرها: تثبیت رقابت، تعمیق تدریجی خصومت

همکاری (مفاهمه): بسیار ضعیف

مذاکرات ادامه دارد، اما بدون پیشرفت ملموس، شکاف در مواضع طرفین پابرجاست و سیگنال های اعتمادساز مشاهده نمی شود. در این شرایط همکاری عملاً به یک مسیر کم احتمال در کوتاه مدت تبدیل شده است.

رقابت (معاوضه): تثبیت شده و غالب

آتش بس حفظ شده اما فشار اقتصادی ادامه دارد و مذاکره در خدمت افزایش اهرم ها است. تعامل اکنون به وضوح در قالب رقابت قهری و ساختاریافته تعریف می شود.

خصومت (مقابله): در حال تقویت

تداوم سیگنال های تهدیدآمیز در کنار حساسیت بالا در حوزه دریایی امکان

تصادد تنش در صورت وقوع حادثه را بیش از پیش افزایش داده است. در این شرایط احتمالات حتی بسیار کوچک از برخورد نظامی می‌تواند به تکانه‌های جدی برای افزایش سطح تنش تا مرز برخورد نظامی وسیع به ویژه در حوزه دریایی پیش رود. خصومت هنوز مسیر غالب نیست، اما به صورت تدریجی در حال نهادینه شدن در دل رقابت است.

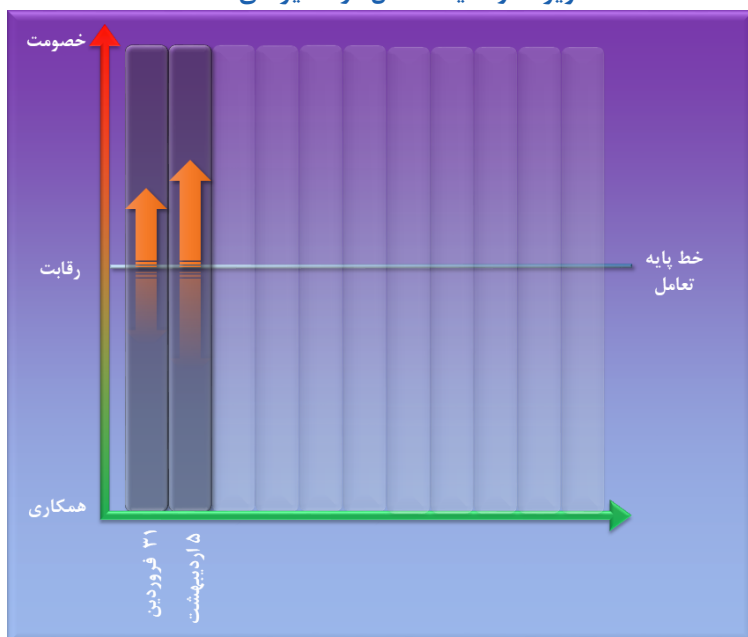
۵. پایش محرک‌ها: افزایش حساسیت و کاهش انعطاف‌پذیری

تحلیل داده‌های جدید نشان می‌دهد که سیستم نسبت به محرک‌های کلیدی حساس‌تر شده و حاشیه مانور کاهش یافته است.

محرک‌های اصلی:

- شکست مذاکرات محتمل‌ترین عامل تغییر مسیر است که گذار سریع از رقابت به خصومت را رقم می‌زند
- حادثه در تنگه هرمز برخورد نظامی یا اختلال شدید در عبور و مرور را تقویت می‌کند و تصاعد سریع و گسترده را به دنبال خواهد داشت
- شوک اقتصادی یا انرژی و اختلال پایدار در بازار انرژی افزایش فشار خارجی و احتمال مداخله در جریان تقابل را افزایش می‌دهد.

تصویر ۱: وضعیت تعامل در مسیرهای سه‌گانه





در مجموع تعامل ایران و ایالات متحده در شرایط کنونی به یک مرحله پایدار اما تنش آلود از رقابت قهری وارد شده است. بازدارندگی همچنان چارچوب کلی را حفظ می‌کند، اما در خدمت مدیریت رقابت و چانه‌زنی قرار گرفته است. در حالی که مسیر غالب همچنان رقابت است، روندها نشان می‌دهد که عناصر خصومت در حال تقویت و نهادینه شدن هستند و در صورت فعال شدن محرک‌های کلیدی، امکان گذار سریع به تقابل آشکار وجود دارد.



پیوست اول: روش‌شناسی گزارش



این گزارش از یک چارچوب تحلیلی حداقلی بهره می‌گیرد که برای تبیین و پایش روند تعاملات میان ایران و ایالات متحده در شرایط پویای تعارض، عدم قطعیت بالا و تغییرات سریع طراحی شده است. در این رویکرد، به جای تلاش برای بازنمایی تمامی پیچیدگی‌های محیط تعارض، تمرکز بر مجموعه‌ای محدود اما موثر از متغیرهای ساختاری تعیین‌کننده قرار می‌گیرد که منطق تقابل و تعامل پس از آن را شکل می‌دهند. این چارچوب بر سه مؤلفه اصلی استوار است: (۱) بازدارندگی نامتقارن، (۲) تحول در ماهیت تهدید، و (۳) مسیرهای تعامل راهبردی.

بازدارندگی نامتقارن

تقابل نظامی میان ایران و ایالات متحده در بستری از عدم تقارن معنادار در توانمندی‌های نظامی شکل می‌گیرد. ایالات متحده از برتری آشکار در جنگ‌های پرشدت و کوتاه‌مدت برخوردار است و توانایی وارد آوردن آسیب‌های گسترده در بازه زمانی محدود را داراست. در مقابل، ایران فاقد ظرفیت دستیابی به پیروزی قاطع در چارچوب‌های متعارف نظامی است، اما از قابلیت‌های قابل توجهی در حوزه جنگ نامتقارن، عملیات توزیع‌شده و ظرفیت‌های تصاعد تنش منطقه‌ای بهره‌مند است. با وجود این عدم تقارن، برهم‌کنش دو طرف به نوعی بازدارندگی منجر می‌شود. این بازدارندگی مشروط و بالقوه شکننده است؛ پایداری آن وابسته به تداوم پابندی طرفین به منطق بازدارندگی بوده و می‌تواند در اثر خطای محاسباتی، برداشت نادرست از خطوط قرمز، یا مداخله بازیگران ثالث دچار اختلال شود. همچنین به معنای توازن قدرت نیست، بلکه نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن هر یک از طرفین قادر است دیگری را از دستیابی به یک پیروزی قاطع، سریع و کم‌هزینه بازدارد. برآیند این وضعیت، نوعی بن‌بست عملیاتی اما ناتمام از حیث راهبردی است که در آن، علی‌رغم تداوم تنش، سطوح تصاعد تنش مهار می‌شوند.

تحول در ماهیت تهدید

در بستر این بازدارندگی شکننده، یکی از مهم‌ترین پویایی‌های قابل مشاهده،

تحول در ماهیت ادراک تهدید است. در مراحل اولیه تقابل، نگرانی اصلی معطوف به بقا و امنیت نظامی است. پایدار شدن وضعیت بدون پیروزی قاطع، مجموعه‌ای از فشارهای انباشتی را فعال می‌کند. از یک سو، آثار اقتصادی جنگ - از جمله آسیب به زیرساخت‌ها، اختلال در مبادلات و تشدید محدودیت‌های خارجی - بیش از پیش آشکار و از نظر سیاسی معنادار می‌شوند. از سوی دیگر، کارایی نهایی تشدید تنش نظامی کاهش می‌یابد، چرا که طرفین با محدودیت‌های ابزار نظامی در دستیابی به اهداف حداکثری مواجه شده‌اند. هم‌زمان، مسائل مربوط به ثبات داخلی، تاب‌آوری اقتصادی و انسجام اجتماعی در محاسبات راهبردی برجسته‌تر می‌گردد. در نتیجه این روندها، نوعی چرخش نسبی در ماهیت تهدید از حوزه نظامی به حوزه اقتصادی و سپس اجتماعی شکل می‌گیرد. این چرخش به معنای حذف بعد نظامی نیست، بلکه بیانگر بازتنظیم اولویت‌ها در چارچوبی است که همچنان توسط بازدارندگی ساختار بندی می‌شود. در این شرایط، ابزارهای اقتصادی - از جمله تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی و کنترل بر گلوگاه‌های راهبردی - اهمیت فزاینده‌ای می‌یابند، در حالی که توان نظامی به عنوان عامل پس‌زمینه‌ای، حدود و ثغور رفتارها را تعیین می‌کند.

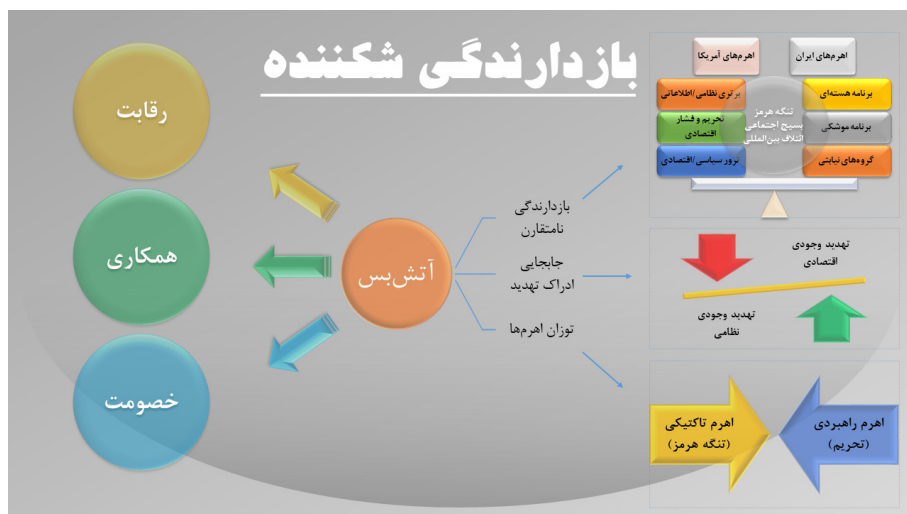
مسیرهای تعامل راهبردی: رقابت، همکاری، خصومت

بر پایه بازدارندگی نامتقارن و تحول در ماهیت تهدید، سه مسیر اصلی برای تعامل راهبردی میان ایران و ایالات متحده شناسایی پدید می‌آید: **معاوضه** (رقابت)، **مفاهمه** (همکاری) و **مقابله** (خصومت). این مسیرها نه به عنوان انتخاب‌های از پیش تعیین‌شده، بلکه به عنوان الگوهای برآمده از تعامل میان محدودیت‌ها، ادراک تهدید و اهرم‌های در دسترس در نظر گرفته می‌شوند.

- **معاوضه** یا رقابت بیانگر وضعیتی از تقابل مدیریت‌شده است که در آن طرفین می‌کوشند بدون تغییر بنیادین در ساختار رابطه، موقعیت نسبی خود را بهبود بخشند. در این مسیر، چانه‌زنی، امتیازدهی محدود و بهره‌گیری مستمر از ابزارهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی در چارچوبی کنترل‌شده دنبال می‌شود.
- **مفاهمه** یا همکاری زمانی شکل می‌گیرد که دو طرف به درک مشترکی از محدودیت‌های اعمال فشار و هزینه‌های تداوم تعارض دست یابند. در این وضعیت، تعامل به سمت ترتیبات مذاکره‌شده، نوعی تعدیل متقابل و ایجاد

- سازوکارهایی برای کاهش نااطمینانی حرکت می‌کند.
- مقابله یا خصومت به مسیری اطلاق می‌شود که در آن قیود بازدارندگی تضعیف یا نادیده گرفته شده و تعامل به سمت تشدید تقابل در حوزه‌های مختلف سوق پیدا می‌کند. این مسیر با افزایش ریسک تصاعد تنش، تضعیف کانال‌های دیپلماتیک و بی‌ثباتی گسترده‌تر همراه است.

هر یک از این مسیرها واجد ترکیبی متفاوت از ارزش راهبردی، امکان‌پذیری سیاسی و سطح ریسک هستند و جابه‌جایی میان آنها تابعی از شرایط متغیر محیطی است، نه یک روند خطی و از پیش تعیین‌شده.



تحلیل و پایش تحولات

هدف این چارچوب، ارائه پیش‌بینی‌های قطعی نیست، بلکه فراهم‌سازی مبنایی منسجم برای پایش ساختاری تحولات است. بر این اساس، تحلیل‌های این گزارش - و به‌روزرسانی‌های آتی - بر سه مولفه اصلی متمرکز خواهند بود:

- **وضعیت بازدارندگی:** ارزیابی میزان پایداری یا فرسایش تعادل موجود.
- **روند ادراک تهدید:** بررسی تغییرات در وزن نسبی فشارهای نظامی و اقتصادی.
- **توازن اهرم‌ها:** تحلیل کارآمدی و اعتبار ابزارهای اعمال نفوذ هر یک از طرفین، به‌ویژه در حوزه اقتصادی و گلوگاه‌های راهبردی.



افزون بر این، توجه ویژه‌ای به عوامل محرک تغییر مسیر خواهد شد؛ عواملی نظیر رخدادهای تنش‌زا، شوک‌های اقتصادی یا گشایش‌های دیپلماتیک که می‌توانند جهت حرکت سیستم را دگرگون کنند. از طریق پایش منظم این ابعاد، چارچوب حاضر امکان ارائه تفسیری منسجم از تحولات جاری و شناسایی مسیر غالب تعامل را فراهم می‌آورد.



تهران، خیابان طالقانی،
نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵
تلفن: ۸۵۷۳۰۰۰۰ (۰۲۱)
RC.ICCIMA.IR